

نگارخانه و سرگذشتها

خوارزنی

سید جواد حسینی

این و آن دعوا نکن! با فلانی اختلاف کردی یک سیلی زدی، با آن یکی حسابت جور در نیامد، یک لگد به او زدی بعدش چی؟ اینکه در درون تو نشسته، به تو می گوید فلانی را تخریب کن، به آن یکی بد بگو و ... حساب او را برس. او را از میان بردار که سر منشأ همه فتنه‌ها و نزاعهاست.»^(۱)

۲. خود را ادب کن

سعیدی به دارندگان هوای نفس این گونه نصیحت می‌کند: «چه فایده دارد که گرز برداشته‌ای به کله این و به کله آن می‌زنی؛ نفس را ادب کن.

۱. مادر بتها، بت نفس شماست

شیخ بهایی رحمته‌الله داستان عبرت آموزی درباره خطر نفس دارد. او می‌گوید: «شخصی، مادری داشت که با کسان بسیاری در ارتباط بود. مردم به وی گفتند: «به غیرت تو بر نمی‌خورد؟ چرا این افراد را از بین نمی‌بری؟ گفت: اگر من دست به کار بشوم و هر آن کس که با مادرم در ارتباط است، بکشم باید روزی ده بیست نفر را بکشم، اینکه فایده‌ای ندارد. خودش را می‌کشم، مرکز فساد را از بین می‌برم.»

سپس شیخ بهایی رحمته‌الله به نفس اماره انسان اشاره می‌کند که اساس مشکلات است و می‌فرماید: «نفس را بکش! با

۱. کشکول، محمد عاملی شیخ بهاء الدین، قم، انتشارات شرکت طبع و نشر بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۴.

ابلیس گفت: «من باید چه کاری انجام بدهم که خدا توبه‌ام را قبول کند؟ خدا از من چه انتظاری دارد؟»

حضرت عیسی علیه السلام به خدا عرض کرد: «ابلیس می‌گوید که باید چه کنم؟»

خدا فرمود: «من از او چیزی نمی‌خواهم. فقط بگویند که من بد کردم، پشیمانم.»

حضرت عیسی علیه السلام خیلی خوشحال شد و به ابلیس گفت: «خدا می‌فرماید که بگو بد کردم، پشیمانم.»

ابلیس گفت: «چرا من بگویم؟ چرا خدا نگوید؟! خدا بگوید که من بد کردم، پشیمانم.»

چرا ابلیس توبه نکرد؟ چون تکبر داشت و اسیر نفس بود.^(۲)

۴. نماز و جوانها

مرحوم آیت الله کاشف الغطا می‌نویسد: «من هر وقت با جوانها صحبت می‌کنم می‌گویم: «جوانها! اگر می‌خواهید در زندگی، منحرف نشوید، ارتباطتان را با خدا قطع نکنید،

سخن در صلاح است و تدبیر و خوی نه در اسب و میدان و چوگان و گوی تو با دشمن نفس هم خانه‌ای؟ چه در بند پیکار بیگانه‌ای عنان باز پیچان نفس از حرام به مردی ز رستم گذشتند و سام تو خود را چه کودک ادب کن به چوب به گرز گران مغز مردان مکوب»^(۱)

۳. شیطان هم اسیر نفس است

در انجیل برنابا آمده است: «خداوند به حضرت عیسی علیه السلام مأموریت داد که گمراهان را نجات بدهد. حضرت عیسی نشست و فکر کرد که سر منشأ همه گمراهیها ابلیس است. در مرحله نخست، باید از ابلیس شروع کند. وقتی او هدایت شد، مردم هدایت خواهند شد. به خدا عرض کرد: «اجازه است بروم ابلیس را هدایت کنم؟» خدا به حضرت عیسی اجازه داد که به هدایت ابلیس پردازد. حضرت عیسی به ابلیس از عذاب جهنم گفت و به او گفت: «برای اینکه به عذاب جهنم گرفتار نشوی، برگرد و توبه کن.»

۲. انجیل برنابا، ترجمه حیدرقلی سردار کابلی، با مقدمه آیت الله طالقانی، بی‌جا، نشر نیایش، بی‌تا، فصل پنجاه و یکم، ص ۴۲۵ و ۴۲۶.

۱. بوستان سعدی، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، سوم، ۱۳۶۶، باب هفتم در عالم تربیت، ص ۱۴۲، ش ۲۹۴۰.

نمی آورد که جایگاهش در جهنم (غی) است.

۴. مسلمانی که همیشه نماز می خواند؛ ولی مسائل نماز را نمی داند و نماز را غلط می خواند.

۵. مسلمانی که نماز می خواند؛ ولی اول وقت نمی خواند.

۶. مسلمانی که قضای نماز بر عهده اش است؛ ولی در صدد به جای آوردن آن نیست.

۷. مسلمانی که خود را قبل از نماز برای نماز آماده نکند.

۸. مراعات نکردن آداب ظاهری نماز، یعنی نیکو انجام ندادن نماز.

۹. نداشتن حضور قلب در نماز و مراعات نکردن آداب باطنی نماز.

۱۰. بی تفاوت بودن به نماز اعضای خانواده و نماز دیگران.^(۲)

آن چیزی که ارتباط انسان را با خدا قطع می کند، ترک نماز و بیگانه بودن با نماز است. نماز بهترین پل ارتباطی با خداست، نماز بهترین وسیله ارتباط بنده با خداست. چرا نماز می خوانیم؟ چون نماز، کامل ترین غذای روح بشر است و ما را در مسیر خدا قرار می دهد و حفظ می کند.^(۱)

ده نوع استخفاف نماز

آیت الله شوشتری و دیگر بزرگان ده نوع استخفاف را به شرح ذیل برای نماز نقل کرده اند:

۱. مسلمانی که نماز را قبول ندارد و نمی خواند، که بدترین نوع استخفاف نماز همین است و سبب کفر می شود و دارنده این عقیده، نجس و مرتد است.

۲. مسلمانی که نماز را قبول دارد؛ ولی نمی خواند، اگر در دنیا کافر نیست؛ اما در آخرت با کفار محشور می شود، در جهنم می سوزد و آثار نکبت بار وضعی آن هم در دنیا شاملش می شود.

۳. مسلمانی که نماز را قبول دارد؛ ولی گاه آن را به جا می آورد و گاه به جا

۲. ر.ک: بایسته های تبلیغ، همان، ص ۱۲۶ و ۱۲۷.

۱. بایسته های تبلیغ، معاونت امور فرهنگی و تبلیغ، انتشارات پرهیب، کرج، ۱۳۸۴ش، ص ۱۱۷.